

## تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی (مورد مطالعه: استان بوشهر)

عابدین عابدی‌زاده\*

سید یعقوب موسوی\*\*، حسن محدثی گیلوایی\*\*\*، مجید کفاشی\*\*\*

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی شهروندان استان بوشهر انجام شده است. قوم‌گرایی در مقاله به معنای تعلق قومی و قوم‌دوستی مطالعه شد. جامعه آماری تحقیق شهروندان استان بوشهر در نظر گرفته شد. حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه شد و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی پرسش‌نامه به اجرا درآمد. یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی شهروندان معنادار و به میزان ۳۷.۴٪ است. به عبارتی ۳۷٪ از تغییرات توسعه مدنی توسط متغیر قوم‌گرایی تبیین می‌شود و ۶۳٪ دیگر مربوط به سایر متغیرهاست. تأثیر متغیر مستقل بر مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی برابر ۳۶.۹٪ و ۲۸.۸٪؛ بر قانون‌گرایی ۸.۵٪- و تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر رفتار شهروندی

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
abedin\_abedizadeh@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
(نویسنده مسئول)، y.mousavi91@alzahra.ac.ir

\*\*\* استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
mohaddesi2011@gmail.com

\*\*\*\* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
majidkaffashi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

برابر ۴۸.۷٪ و تحزب‌گرایی برابر ۴۴.۲٪ به دست آمده است. در نهایت از طریق آزمون GLM آزمون مقایسه میانگین توسعه مدنی به تفکیک قوم‌مداری بررسی و مشخص شد که افراد مورد مطالعه که از سطح بالای قوم‌مداری برخوردارند ۴۳/۷۹ واحد میانگین در مقام قیاس با افراد سطح متوسط قوم‌مداری از توسعه مدنی بیش‌تری (بالا‌تری) برخوردارند.

**کلیدواژه‌ها:** قوم‌گرایی، توسعه مدنی، مشارکت اجتماعی، مدارای اجتماعی، قانون‌گرایی، رفتار شهروندی، تمایل به نهاد حزب.

## ۱. مقدمه

یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های افراد و جوامع مختلف چگونگی شیوه زیست آن‌ها در جامعه با باور و فرهنگ متفاوت با آن‌هاست؛ این‌که چگونه در جهانی با اندیشه و باورهای متنوع و متفاوت با خود زندگی کنند تا زیستی آرام و مشارکتی عاری از خشونت داشته باشند. برای چنین زندگی‌ای چه کار باید و چه کار نباید انجام دهند؟

بنیادی‌ترین نیازی که بشر و جوامع بشری از ابتدای پیدایش خود با آن روبه‌رو بوده‌اند، نیاز به بقا در محیطی پیچیده است؛ از قضا انسان برای مواجهه با این پیچیدگی‌ها از نظر زیستی نیز تجهیز نشده و از همین‌رو نیازمند نهادها و زندگی اجتماعی است (Turner 2006: 31).

بنابراین جوامع برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی که با آن در ارتباط‌اند باید به توسعه‌یافتگی برسند. به معنای عام آن، توسعه نوعی از دگرگونی اجتماعی است که انسان‌ها برای دستیابی به نیازها و خواست‌های خود در محیط ایجاد می‌کنند. انسان‌ها برای برآورده‌شدن نیازها و خواست‌های خود به زندگی اجتماعی روی آورده‌اند. چنان‌چه نیازها و خواست‌های آن‌ها در محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند برآورده نشود، با مسائل اجتماعی گوناگونی در جامعه مواجه می‌شوند. یکی از مباحث مهم در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بررسی تأثیر گروه‌های اجتماعی به‌ویژه گروه‌های قومی بر توسعه مدنی جامعه است. این موضوع که مدیریت سیاسی جامعه در قبال گروه‌های قومی در برنامه‌های توسعه از چه سیاستی پیروی می‌کند و در برنامه‌های توسعه چه قدر گروه‌های قومی مورد توجه قرار می‌گیرند، از مسائلی است که در این حوزه دانش به آن پرداخته می‌شود (نوربخش ۱۳۸۷: ۷۰).

باید گفت ساخت‌های اجتماعی، قومیت‌ها، و نژادها یا هر گروه اجتماعی دیگر به‌شکل دائم در تعاملات اجتماعی ساخته می‌شوند. در همین زمان نتیجه این ساخت و سازهای اجتماعی ایجاد مرزها و تعاریف خاص در زندگی مردم عادی است. قومیت‌ها نیز بر این اساس دسته‌بندی‌های اجتماعی اند که ممکن است گروه باشند یا نباشند (Anderson 2017). ممکن است در میان مردم در یک طبقه‌بندی قومیتی که از هویت‌های جمعی یا کار جمعی حمایت می‌کنند ارتباطات اجتماعی وجود داشته باشد یا نداشته باشد. از این مطلب فهمیده می‌شود که طبقه اجتماعی مردم در این دسته‌بندی‌های قومیتی ناپایدار و نامشخص و متغیر است و حتی ممکن است اعتقاد مردم درباره منشأ و تاریخچه این گروه‌ها لزوماً با تحقیقات تاریخی ذهنی تطابق نداشته باشد (الیس ۲۰۱۷). ایران جزو کشورهایی است که در ترکیب جمعیتی آن اقوام گوناگون وجود دارد. هویت ملی، وحدت ملی، هم‌گرایی، و واگرایی بین اقوام از مسائلی است که حکومت‌ها در کشورهای پلی‌اتنیک یا کثیرالاقوام با آن مواجه‌اند. تعدد و تنوع قومی چالش‌هایی را در قالب تهدید یا فرصت برای حکومت مرکزی به ارمغان می‌آورد که متناسب با مبانی نظری با ایدئولوژی غالب با آن مواجه می‌شود (احمدی و الوند ۱۳۹۱: ۱۶۰).

در پژوهشی که به «بررسی میزان توسعه انسانی شهرهای ایران پرداخته است، هیچ شهری از استان بوشهر در سطح اول توسعه یافتگی قرار ندارد» (زنگی‌آبادی و ابوالحسنی ۱۳۹۱: ۱۱۷). سطح پایین توسعه مدنی، بسیاری از سازوکارهای توسعه‌ای را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، ضمن این‌که خود نشانه‌ای از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دیگری است که باید بررسی شوند. برای توضیح بیشتر، زنگی‌آبادی و ابوالحسنی (۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۲۲) در پژوهش خود نشان می‌دهند:

بیش از پنجاه درصد شهرهای استان بوشهر به‌لحاظ توسعه انسانی در سطح سوم و چهارم توسعه (این پژوهش دارای چهار سطح: توسعه، وراثت‌توسعه، فراتوسعه، میان‌توسعه و فروتوسعه بوده است) قرار دارند و هیچ شهری از استان بوشهر در بالاترین سطح توسعه‌یافتگی به‌لحاظ انسانی قرار ندارد (همان ۱۳۹۱: ۱۲۲).

باتوجه به واقعیت تنوع قومی در این استان، این تحقیق در نظر دارد به بررسی زمینه‌های تأثیرگذاری و شکل تأثیرگذاری قوم‌دوستی، تعلق قومی یا به‌عبارتی هویت قومی و قوم‌گرایی بر فرایند توسعه مدنی در استان بوشهر بپردازد. در نتیجه، این پژوهش

می‌کوشد تا ضمن بررسی وضعیت استان بوشهر به لحاظ توسعه مدنی و شاخص‌های مرتبط با آن و همچنین ارزیابی استان بوشهر به لحاظ قوم‌گرایی مشخص سازد قوم‌گرایی تاکنون چه تأثیری بر جریان توسعه مدنی استان بوشهر داشته است. هدف عمده این مقاله تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی است.

## ۲. ضرورت تحقیق

کشور ایران از جمله کشورهای است که دارای فرهنگ و تمدن چند هزارساله است و از نظر موقعیت جغرافیایی و سیاسی تحولاتی اساسی در آن صورت گرفته است. در تاریخ ایران، تغییر و تحولات گروه‌های قومی مختلف بر ترکیب جمعیتی، ساختار سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی اجتماعی جامعه ایران تأثیرگذار بوده است. از این رو شناخت و مطالعه ساختار، کارکرد، و ماهیت جمعیتی قومی جامعه برای تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در همه ابعاد توسعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. این پژوهش از آن جهت که به بررسی تأثیر قوم‌گرایی بر ابعاد توسعه مدنی می‌پردازد حائز اهمیت و ضرورت است؛ چراکه تاکنون پژوهشی با این مضمون و در این سطح و با این شاخص‌ها در هیچ‌کدام از استان‌های کشور انجام نشده یا اگر شده، در سطح مقاله پژوهشی بوده است. از طرفی میزان نیاز جامعه به این نوع تحقیقات نیز بر اهمیت و ضرورت تحقیق می‌افزاید. در نهایت اجرای چنین پژوهش‌هایی می‌تواند از حیث نظری نیز حائز اهمیت و اولویت باشد؛ چراکه با توجه به میان‌رشته‌ای بودن این موضوع ضرورت دارد که با استفاده از یافته‌های علوم مختلف نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، و مدیریت به بازتعریف این رابطه پرداخته شود که این امر می‌تواند در نهایت به تولید دانش جدید و بومی منجر شود. تحقیق پیش‌رو از حیث عملی نیز دارای نتایج متعدد دیگری است. امروزه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در کشور به اتفاق از اهمیت و ضرورت توسعه مدنی به لحاظ ساختاری و اجتماعی سخن می‌گویند. اجرای این پژوهش می‌تواند به ارائه راه‌کارهایی ختم شود که در صورت عملیاتی‌نمودن آن‌ها از طریق تقویت و تأکید بر مقوله توسعه مدنی موجبات دستیابی به توسعه پایدار در کشور را فراهم سازد. راه‌کارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی برای تقویت توسعه مدنی زمینه‌ساز ظهور توسعه پایدار در کشور می‌شود که این مهم اجرای پژوهش را بیش‌ازپیش ضرورت می‌بخشد.

### ۳. رویکردهای پشتیبان تحقیق

رویکرد قوم‌گرایی: قوم‌گرایی نوعی تلقی فرهنگی است که براساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها، و شیوه زندگی قوم خود را ارج می‌نهند و در زندگی اجتماعی خود نوعی احساس قوم‌دوستی و حس تعلق به هویت فرهنگی متفاوتی در تعامل با گروه‌های قومی دیگر دارند؛ هرچند ممکن است گاهی حس تعلق قومی و قوم‌دوستی به ارتباط سازنده میان فرهنگی و احساس نیاز به تعامل با دیگر قومیت‌ها منجر شود و گاه باعث درگیری‌های قومی شود. کشمکش‌های قومی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بشر است که ریشه در کم‌بود منابع و مهم‌تر از آن در توزیع و اختصاص ناعادلانه منابع در بین گروه‌ها (اقلیت‌ها) دارد. در نتیجه افراد تلاش می‌کنند تا با تشکیل گروه‌هایی به صورت اقوام، قبایل، و ملت‌ها برای همکاری در درون‌گروه و رقابت با برون‌گروه به این منابع کم‌یاب دست یابند. اندیشمندان علوم اجتماعی برای بررسی و مطالعه این رقابت و تضاد درون‌گروه - برون‌گروه از اصطلاح مرسوم به نام قوم‌گرایی بهره می‌گیرند. این اصطلاح سازه‌ای کاملاً جامعه‌شناختی است که برای توصیف تضاد بین گروه‌ها و تبعیض اعضای درون‌گروه علیه اعضای سایر فرهنگ‌ها به‌کار می‌رود. اولین بار اصطلاح قوم‌گرایی را ویلیام سامنر جامعه‌شناس آمریکایی وارد علوم اجتماعی کرد. او در کتاب *رفتارهای سستی‌توده* (۱۹۰۶) قوم‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: «ارزش‌ها و موازین فرهنگ خود را محور قضاوت درباره دیگران قرار دادن». در این تعریف منظور این است که اقوام فرهنگ خود را برتر از همه فرهنگ‌های دیگر بدانند. از طرفی از این تعریف برای توصیف این دیدگاه در تحقیقات علوم اجتماعی استفاده شده که فرهنگ خودی می‌تواند نقش محوری و مرکزی در برابر نقش غیراساسی و کم‌اهمیت دیگر فرهنگ‌ها و سنن مذهبی داشته باشد (Hooghe 2008: 1). جیمز کلاس نیز تعریف تقریباً مشابهی ارائه می‌دهد. به‌نظر او قوم‌گرایی عبارت است از: «احساس تعلق یک فرد به یک قوم و برتردیدن خویش، به‌ویژه زمانی که وی احساس کند حقوقش ضایع شده است، و این امر به تلاش وی برای کسب آنچه از دست داده است منجر شود» (Kellas 2004: 3).

قوم‌گرایی وضعیت یا حالتی روانی است که هم‌زمان نتایج مثبت و منفی دارد. به‌طوری‌که از یک‌طرف به‌مثابه نوعی میهن‌پرستی (قوم‌پرستی) و تمایل به فداکاری یا ایثار برای درون‌گروه در خدمت آن است و به ساخت و حفظ هویت فرهنگی فرد کمک می‌کند و از طرف دیگر به سوءتفاهم‌ها و کاهش تمایل به برقراری ارتباط بین‌فرهنگی با دیگران

منجر می‌شود (لین و رینسر ۲۰۰۳). در نهایت بری و کالین دو محقق کانادایی که مطالعات فراوانی درباره قوم‌گرایی انجام داده‌اند، آن را به معنی «عدم پذیرش تنوع قومی، عدم تحمل برون‌گروه‌ها به‌طور کلی و ترجیح نسبی درون‌گروه بر برون‌گروه» می‌دانند و این مفهوم را مترادف با تنفر یا بیزاری عمومی از همه برون‌گروه‌ها قلمداد می‌کنند (Berry and Kallin).

**رویکرد توسعه مدنی:** توسعه در این پژوهش همان توسعه مدنی است و به روابط و رفتارهای انسانی و اجتماعی شهروندان معطوف است و بر بعد انسانی توسعه نه بعد اقتصادی آن تأکید دارد. در واقع توسعه به مثابه وجود و برخورداری جامعه از برخی شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله مشارکت اجتماعی، رفتار شهروندی یا مدنی، قانون‌گرایی، مشارکت سیاسی، تحزب‌گرایی، و مدارای اجتماعی دلالت دارد. توسعه مدنی یکی از ضرورت‌های شکل‌گیری مشارکت واقعی در جامعه در حال توسعه و به‌نوعی هم‌زمینه‌ساز و هم‌برایند توسعه متوازن در کشور به‌شمار می‌رود. مفهوم توسعه مدنی تا قبل از قرن بیستم بیش‌تر بار فلسفی و سیاسی داشت، لیکن از ابتدای قرن بیستم با پیشرفت جامعه‌شناسی و اقتصاد رفاه به‌مثابه فرایند تغییر و تحول در سازمان نظام اجتماعی رونق گرفت. در تعاریف جدیدی که کارشناسان سازمان ملل به‌صورت راه‌بردهایی برای توسعه در خاورمیانه و شمال آفریقا تدوین کرده‌اند، توسعه مدنی دربرگیرنده بعدی از توسعه است که بر کنش و واکنش‌های انسانی و نهادها و روابط اجتماعی با یک‌دیگر تأکید می‌ورزد و بر آن‌ها تمرکز می‌کند. در تعریف دیگری که همان‌گروه در سال ۲۰۰۳ میلادی آماده کرده‌اند توسعه مدنی دگرگونی اجتماعی مثبت تلقی شده است (موسایی ۱۳۸۸: ۱۰۲). در واقع در توسعه مدنی، دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن مدنظر است. نیازهای حیاتی و زیستی، نیازهای فرهنگی و روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری، و نیاز به رشد و ترقی در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید است که ماهیت روند توسعه مدنی را تعیین می‌کنند. گفتنی است که همه نیازهای به‌طور سازگار و یک‌سان در طراحی استراتژی توسعه مؤثر نیستند. تأکید بیش‌تر بر هر یک از آن‌ها به‌منزله نادیده‌گرفتن یک وجه و سطح از توسعه مدنی است و توسعه را به یک زمینه خاص سوق می‌دهد (آزاد ارمکی ۱۳۸۶: ۱۷۵). لازمه توسعه مدنی وجود جامعه مدنی پویاست که بتواند روابط متقابل شهروندان و دولت را به‌گونه‌ای تعدیل کند. از تعاریف مطرح در حیطه توسعه مدنی نظریاتی است که اندیشمندان رفاه‌گرا بیان کرده‌اند. آن‌ها مفهوم توسعه مدنی را حرکت به‌سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. مثلاً از نظر وارنر (Warner) توسعه مدنی عبارت است از امکانات زندگی مردم در جامعه. در دیدگاه مارکسیستی نیز بر ارزش‌های مبتنی بر برابری اجتماعی تأکید می‌شود.

هم‌چنین از نظر دانگ‌کیم (Dong Kim) توسعه مدنی درجه‌ای از ساختار اجتماعی است که به اکثریت محروم جامعه نه‌تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از سهم خود از منابع ملی را می‌دهد، بلکه در رسیدن به آن هدف آن‌ها را یاری می‌کند. «پایوا» افزایش ظرفیت و توان مردم برای فعالیت مداوم در جهت تأمین رفاه خود و جامعه و توسعه تحول‌نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در همه سطوح به خصوص سطوح پایین را دو بعد اصلی توسعه مدنی می‌داند. بدان‌گونه‌که در این فرایند روابط بین مردم و نهادهای اجتماعی و اقتصادی ابزارهای تأمین نیازهای اجتماعی فراهم می‌شود و از طریق تغییر نهادهای اجتماعی و استفاده از منابع موجود در جامعه تعادل بین نیازهای کمی و کیفی جامعه پدید می‌آید؛ بنابراین از نظر او ارتباط نزدیکی بین توسعه مدنی و عدالت اجتماعی وجود دارد و هدف نهایی توسعه مدنی دستیابی جامعه‌ای انسانی‌تر از طریق نهادها و سازمان‌هایی است که بهتر پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشد (کلانتری ۱۳۷۷: ۱۱۰).

مشارکت اجتماعی و سیاسی از یک‌سو از عناصر تشکیل‌دهنده جامعه توسعه‌یافته به‌لحاظ مدنی است که با وجود احزاب فراگیر و آزاد در ارتباط است. بر این اساس در جامعه‌ای که در وضع مطلوبی از توسعه مدنی قرار دارد باید مردم به‌طور مستقیم یا از طریق احزاب و انجمن‌های مردمی و غیردولتی در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در مسائل مهمی هم‌چون امور سیاسی، مسائل اجتماعی، و مانند آن مشارکت کنند. در این پژوهش، توسعه مدنی بر پنج بعد اساسی تمرکز کرده است که هر یک را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از تعاریف گوناگونی که ارائه می‌شود می‌توان استنتاج کرد. این ابعاد عبارت‌اند از: مشارکت اجتماعی، رفتار شهروندی، قانون‌گرایی، تحزب‌گرایی، و مدارای اجتماعی.

#### ۴. مؤلفه‌های اساسی توسعه مدنی

**مشارکت اجتماعی:** مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی امری است که امروزه در همه جوامع پذیرفته شده است و روزبه‌روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. این اهمیت اصولاً از آن‌جا ناشی می‌شود که اولاً، مشارکت امری اجتماعی است که به‌لحاظ غایت به آزادسازی و اعتماد انسان‌ها به خویش‌منجرت منجر می‌شود؛ و ثانیاً از نظر ابزاری و در کلیت آن به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایند عملی حیات اجتماعی و حرکت روبه‌جلوی جامعه منجر می‌شود. گفته می‌شود: «مشارکت عمومی مؤلفه بنیادین امر برنامه‌ریزی خوب است. طرح جامع و فراگیر طرحی است که با مردم انجام شده باشد نه برای مردم» (Zimmerman 1996: 1).

در فرایند توسعه مدنی، مشارکت آحاد جامعه در نظر است و فارغ از هرگونه تعلق قومی شهروندان، امکان اثرگذاری آن‌ها در همه شئون اجتماعی با توجه به صلاحیت تخصصی شان فراهم است. مشارکت همه جانبه یکی از پیش فرض‌های توسعه و شکل‌گیری جامعه مدنی است. انسان‌ها باید به‌عنوان آفرینش‌گران فعال در فرایند تکوین توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه واقعی باید حاصل رفتارهای خلاق عاملان انسانی توسعه باشد. توسعه مدنی بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد و در این صورت جمعیت‌ها، سازمان‌ها، و نهادهای مردمی شرکت‌کنندگان اصلی در فرایند توسعه خواهند بود (UNDP 2011). توسعه احزاب و نهادهای مدنی یکی از زمینه‌های شکل‌گیری مشارکت مردم و همراهی آن‌ها با جامعه است و خلأ این نهادها موجب ناآگاهی و بی‌اعتنایی بیش‌تر مردم به جامعه و سرنوشت خود می‌شود.

**احزاب مدنی:** امروزه با توجه به تنوع و گسترش فعالیت‌های اجتماعی، نقش احزاب و سازمان‌های جامعه مدنی در جایگاه میانجی‌گر بین شهروندان و دولت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. نهادینه‌شدن احزاب ساختارمند از مؤلفه‌های بسیار مهم توسعه مدنی محسوب می‌شود؛ اما واقعیت این است که در ایران احزاب، به‌ویژه احزاب سیاسی، به‌عنوان نهادهای سیاسی-مدنی میان دولت و مردم از نظر کمی رشد یافته‌اند، ولی در معنای واقعی به‌صورت شبه‌حزبی عمل می‌کنند. فرهنگ مشارکت و حزب در جامعه توسعه‌یافته در سایه تضارب آرا، افکار، و اندیشه‌ها ارتقا می‌یابد که این مهم از طریق کانالیزه کردن و تعامل همه افکار و باورها در راستای تأمین مؤلفه‌های بنیادی توسعه مدنی در بستر جامعه مدنی سامان می‌یابد. بدون شک مشارکت همه آحاد شهروندان زمانی معنا پیدا می‌کند که نهادهای اجتماعی-سیاسی درباره مسائل جامعه خود احساس مسئولیت کنند. در مجموع، همان‌طور که ملاحظه شد، احزاب گونه‌های جدیدی از بسترهای مشارکت در جامعه مدنی فراهم می‌کنند و مخصوصاً مشارکت سیاسی معتبر و تأثیرگذار شهروندان را تضمین می‌کنند.

**شهروندی:** حقوق شهروندی به ماهیت مشارکت اجتماعی افراد در جامعه مربوط است و شهروندی موقعیتی است که به افراد توان شناخته‌شدن و حضور در اجتماع را می‌دهد؛ «اساساً عضویت افراد در جوامع دموکراتیک مدرن با موقعیت شهروندی آن‌ها نشان داده می‌شود. افرادی که به یک دولت - ملت خاص تعلق دارند دارای اسناد و مدارکی هستند که عضویت آن‌ها را در آن دولت - ملت تأیید می‌کند. این مدارک به‌طور کلی گواهی تولد یا کسب، تابعیت، و کارت شناسایی یا گذرنامه را در بر می‌گیرد. از همه مهم‌تر این است که شهروندان دارای مجموعه گسترده‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، و اجتماعی اند. این حقوق



تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی ... (عابدین عابدی‌زاده و دیگران) ۱۴۱

درمقابل با مجموعه‌ای از تعهدات در قبال جامعه و دولت متوازن می‌شوند (کاستلز و دیویدسون ۱۳۸۲: ۲۳). افراد جامعه زمانی شهروند محسوب می‌شوند که صرف‌نظر از قومیت، نژاد، باور، و اعتقاداتی که دارند حقوقی برابر با بقیه افراد آن جامعه داشته باشند. در آن صورت می‌توانند در جامعه به ایفای نقش شهروندی مطلوب خود بپردازند. بنابراین می‌توان گفت شهروندی دربردارنده مجموعه حقوق و تکالیفی است که اعضای جامعه در قبال یکدیگر، نهادها و جامعه دارند، به طوری که این حقوق موجب شود افراد نوعی تعلق اجتماعی در خود نسبت به هم‌دیگر برای مشارکت مدنی احساس کنند.

بنابراین، حقوق شهروندی مبنای عالی برای اداره امور انسان به‌شمار می‌رود و زندگی آن‌ها که از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا صرفاً یکی از عناصر هویتشان تعیین می‌شد، با شهروندی تعیین می‌شود؛ چراکه شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه سیاسی اساسی انسان‌ها را که هگل آن را «نیاز به رسمیت‌شناخته شدن» می‌نامد، ارضا کند (Williams 1997: 68).

جامعه بدون زندگی شهروندی جامعه‌ای است که افراد در آن هویت و موجودیت فردی خود را گم کرده‌اند و به‌سختی می‌توانند با جامعه خود گفت‌وگویی سازنده و مؤثر داشته باشند؛ لذا توسعه مدنی زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که از درون جامعه مدنی شهروندگرا بیرون بیاید.

**قانون و قانونمندی:** بسیاری از اهداف اجتماعی متضمن رعایت قانون است. قانونمندی به‌معنای قاعده‌مند بودن رفتارهای انسانی در قالب‌های تدوین‌شده و پذیرفته‌شده اکثریت افراد جامعه است که به قوام و دوام جامعه می‌انجامد.

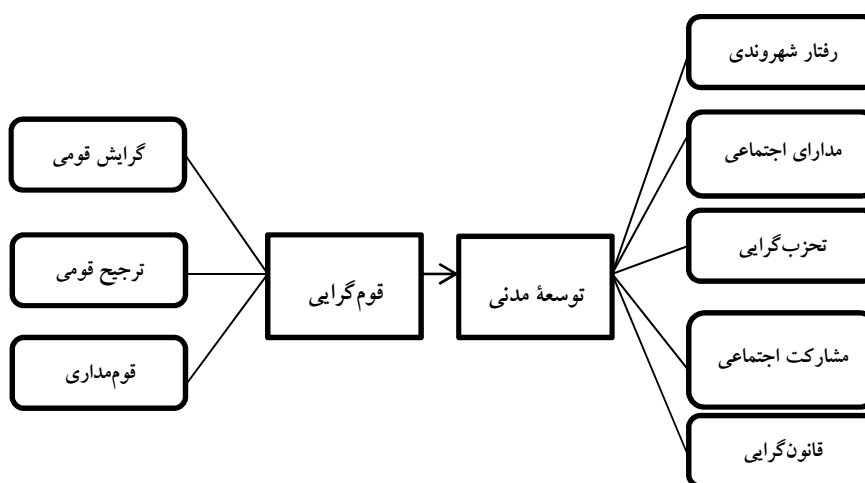
مهم‌ترین کارکرد قانون تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان با هم از سوی دیگر است. قانون تعیین معیارها و ضوابط ثابتی است که برای همگان ایجاد حق و تکلیف می‌کند و افراد جامعه براساس آن روابط خود را تنظیم می‌کنند و به این ترتیب هرکس از حقوق خویش آگاه می‌شود (یگانه ۱۳۹۴: ۹).

لذا افرادی که منافع شهروندی خود را در جامعه توسعه‌یافته به‌لحاظ مدنی از طریق رعایت قانون و قانونمندی دنبال می‌کنند رواداری بیش‌تری از کسانی دارند که برای رسیدن به منافع شخصی خود از هر طریقی اقدام می‌کنند.

**مدارای اجتماعی:** انسان‌ها همواره به‌دنبال راهی برای زندگی در آرامش و دوری از خشونت هستند. درواقع موضوع هم‌زیستی بشر درطول تاریخ وجود داشته و با گذشت

زمان اهمیت آن برای انسان‌ها آشکارتر شده است. مدارا شکلی از خودداری (خودکنترلی) است و به معنای به رسمیت شناختن دیگری است. گیسون مدارا را درجه‌ای از میل به توسعه حقوق شهروندی برای کسانی می‌داند که ایده‌هایشان تاحدی با جریان اصلی تفکر سیاسی در یک کشور متفاوت است؛ لذا مفهوم محوری دیگری که در توسعه مدنی بسیار پررنگ است، مفهوم رواداری است.

از آن‌جا که برقراری ارتباط با دیگران از نیازهای ذاتی و فطری انسان‌هاست و از آن‌جا که انسان‌ها به لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارای تفاوت‌های عمیقی هستند، تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه‌جویی وجود مدارای اجتماعی بین ایشان است. هم‌زیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یک‌دیگر بیابند. در جوامع گذشته تنوع فرهنگ‌ها، زبان و اقوام و هم‌چنین دیگر عناصر زندگی اجتماعی کم‌تر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یک‌دیگر مسئله مهمی به حساب نمی‌آمد؛ اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمین‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی، و اعتقادی بیش‌تر شده و از سوی دیگر، میزان تعاملات و برخورد افراد دوچندان شده است. بنابراین تحمل عقاید و آداب و فرهنگ گروه‌های دیگر اهمیت فراوانی خواهد یافت. در واقع باید گفت امروزه این تنوع تاحدی است که بدون داشتن حداقلی از مدارای اجتماعی و تحمل عقاید متفاوت و مخالف، زندگی کردن در وضعیت عادی غیرممکن خواهد شد (ادیبی سده و دیگران ۱۳۹۲).



مدل مفهومی تحقیق

## ۵. فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان قانون‌گرایی شهروندان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان تمایل به تحزب‌گرایی شهروندان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان مدارای اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

## ۶. روش تحقیق (جامعه آماری و نمونه‌گیری و روش جمع‌آوری اطلاعات)

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و شیوه اجرای تحقیق از نوع مطالعه پیمایشی (توصیفی - تحلیلی) است. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش از لحاظ جمعیت مورد مطالعه همه شهروندان استان بوشهر است. حجم جامعه آماری مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵، ۱۱۶۳۴۰۰ نفر بوده است. برای نمونه‌گیری در پانزده شهر استان بوشهر برحسب سکنی‌گزینی اکثریت از حیث قومی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است. با توجه به این‌که جمعیت مورد مطالعه این تحقیق در محدوده وسیعی پراکنده بودند، افراد نمونه به صورت تصادفی به روش مذکور انتخاب شده‌اند. هم‌چنین با استفاده از فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد. از آن‌جا که آلفای کرونباخ شاخص مناسبی برای سنجش قابلیت اعتماد برای ابزار اندازه‌گیری و هماهنگی درونی میان عناصر آن است، قابلیت اعتماد پرسش‌نامه محقق‌ساخته در این تحقیق به کمک آلفای کرونباخ ارزیابی شد. نتایج در جدول ۱ نشان داده می‌شود.

جدول ۱. مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

شماره	شاخص / مقیاس	پرسش‌نامه نهایی	
		تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
۱	قوم‌گرایی	۲۴	۰.۷۱۰
۲	توسعه مدنی	۴۶	۰.۸۵۵
۳	مدارای اجتماعی	۱۲	۰.۷۱۱
۴	مشارکت اجتماعی	۸	۰.۸۲۰
۶	قانون‌گرایی	۹	۰.۶۹۸
۷	رفتار شهروندی	۹	۰.۸۶۰
۸	تحزب‌گرایی	۸	۰.۷۹۴

## ۷. تعریف نظری متغیر مستقل، قوم‌گرایی

**تعریف نظری:** قوم‌گرایی نوعی تلقی فرهنگی است که براساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها، و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند و براساس دیدگاه‌های قالبی درباره دیگر اقوام قضاوت می‌کند (یوسفی و همکاران ۱۳۸۸: ۱۲۵).

**تعریف عملیاتی:** قوم‌گرایی در این تحقیق در سه بعد: ۱. گرایش قومی، ۲. ترجیح قومی، و ۳. قوم‌مداری سنجیده شده است. گرایش قومی شامل پذیرش قومیت، آداب و رسوم، و فرهنگ قومی بدون تفوق است. ترجیح قومی نیز شامل اولویت‌دادن قومیت، آداب و رسوم، و فرهنگ و زبان قومی بر آداب و رسوم و فرهنگ و زبان ملی و جهانی است. درنهایت، قوم‌مداری نیز برتری‌گزینی قومی، آداب و رسوم، و فرهنگ و زبان قومی بر آداب و رسوم و فرهنگ و زبان ملی و جهانی است.

جدول ۲. جدول عملیاتی شاخص و ابعاد مقیاس قوم‌گرایی در پرسش‌نامه

شاخص	ابعاد	مؤلفه
قوم‌گرایی	گرایش قومی	پذیرش قومیت، آداب و رسوم، و فرهنگ قومی بدون تفوق
	ترجیح قومی	اولویت قومیت، آداب و رسوم، و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی
	قوم‌مداری	برتری‌گزینی قومی، آداب و رسوم، و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی.

## ۸. تعریف نظری متغیر وابسته

**توسعه مدنی:** اشکال متفاوت کنش متقابلی است که در جامعه‌ای خاص همراه با توسعه رخ می‌دهد. توسعه مدنی، توسعه اجتماعی و فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هرکدام الزاماً به ایجاد تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شوند. پس توسعه مدنی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست‌وپاگیر و زائد رفتاری، شناختن و روی آوردن به نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخ‌گوی مشکلات اجتماعی باشد.

**تعریف عملیاتی:** متغیر توسعه مدنی در پنج بُعد به شرح جدول ۳ عملیاتی شده و سنجیده می‌شود. مدارای اجتماعی دارای ابعاد مدارای سیاسی، مدارای عقیدتی، مدارای رفتاری، و مدارای هویتی است. قانون‌گرایی دارای سه بُعد است که عبارت‌اند از پذیرش شمول و عمومیت قانون، التزام به رعایت قانون، و رعایت پیش‌گیرانه قانون. رفتار شهروندی نیز ابعادی چهارگانه دارد: نوع‌دوستی، وظیفه‌شناسی، فضیلت مدنی، احترام، و

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی ... (عابدین عابدی‌زاده و دیگران) ۱۴۵

تکریم. شاخص مشارکت سیاسی نیز سه بعد دارد: کنش سیاسی، آگاهی سیاسی، و گرایش سیاسی. شاخص مشارکت اجتماعی نیز ابعاد سه‌گانه‌ای دارد: روحیه مشارکت‌جویی، مشارکت ذهنی، و مشارکت عینی. درنهایت، تحزب‌گرایی دارای دو بعد گرایش به عضویت و گرایش به پیروی است.

جدول ۳. جدول عملیاتی شاخص‌ها و ابعاد توسعه مدنی در پرسش‌نامه

ابعاد شاخص	شاخص‌های توسعه مدنی
مدارای سیاسی	مدارای اجتماعی
مدارای عقیدتی	
مدارای رفتاری	
مدارای هویتی	
پذیرش شمول و عمومیت قانون	قانون‌گرایی
التزام به رعایت قانون	
رعایت پیش‌گیرانه قانون	
نوع‌دوستی	رفتار شهروندی
وظیفه‌شناسی	
فضیلت مدنی	
احترام و تکریم	
روحیه مشارکت‌جویی	مشارکت اجتماعی
مشارکت ذهنی	
مشارکت عینی	
گرایش به عضویت	تحزب‌گرایی
گرایش به پیروی	

## ۹. یافته‌های پژوهش

- بررسی طبیعی بودن متغیرهای تحقیق:

جدول ۴. آزمون طبیعی بودن

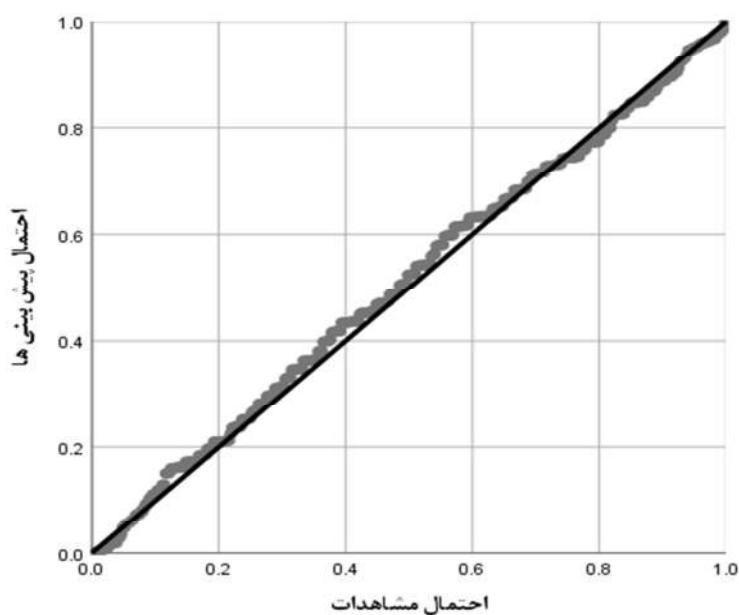
ردیف	متغیر	تعداد	آماره آزمون	سطح معناداری
۱	قوم‌گرایی	۳۸۲	۰.۰۳۹	۰.۱۹۹
۳	مشارکت اجتماعی	۳۸۲	۰.۰۸۲	۰.۱۸۸
۴	مدارای اجتماعی	۳۸۲	۰.۰۹۳	۰.۱۹۴
۵	قانون‌گرایی	۳۸۲	۰.۰۸۶	۰.۲۰۰
۶	رفتار شهروندی	۳۸۲	۰.۰۴۳	۰.۱۹۹
۷	تحزب‌گرایی	۳۸۲	۰.۰۷۵	۰.۲۰۰

باتوجه به این که برای همه متغیرها سطح معناداری از ۰.۰۵ بزرگ‌تر شده، می‌توان گفت همه متغیرها با اطمینان ۹۵٪ از توزیع طبیعی پیروی می‌کنند. بنابراین، نتیجه می‌گیریم توزیع نمونه مناسب است و نمونه‌گیری به شکل صحیح انجام شده است. هم‌چنین می‌توان از روش‌های پارامتریک برای آزمودن فرضیه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده کرد.

- فرضیه فرعی اول:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد. باتوجه به این که در این قسمت بررسی تأثیر متغیر مستقل (قوم‌گرایی) بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی شهروندان) مدنظر ماست، بنابراین، برای این کار از رگرسیون خطی ساده استفاده می‌کنیم. ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقراربودن این شروط مطمئن شویم.

نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده‌ها



نمودار ۱. طبیعی بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی اول

در نمودار ۱، باتوجه به این که حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض طبیعی بودن خطاها در مدل فعلی تأیید می‌شود.



نمودار ۲. ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی اول

نمودار ۲ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول، معنادار بودن مدل خطی و دوم، ثابت بودن واریانس خطاها. باتوجه به این که حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین، هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۵. دوربین - واتسون فرضیه فرعی اول

شاخص	دوربین - واتسون
مدل خطی	۱.۹۴۰

باتوجه به جدول ۵ از آن‌جا که مقدار آماره دوربین - واتسون برابر ۱.۹۴۰ و بین (۱.۵-۲.۵) است، بنابراین، فرض ناهم‌بسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۶. تحلیل مدل فرضیه فرعی اول

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۰۹۳۶۱۵	۱	۱۷۰.۰۹۹	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۱۳۷۹.۰۷۶	۳۸۰		
کل	۱۶۴۷۲.۶۹۱	۳۸۱		

باتوجه به این‌که در جدول ۶ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰.۰۵ شده و ۱۷۰.۰۹۹  $F(۱ و ۳۸۰) =$  شده است، بنابراین، فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۷. خلاصه مدل فرضیه فرعی اول

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۵۵۶	۰.۳۰۹	۰.۳۰۷

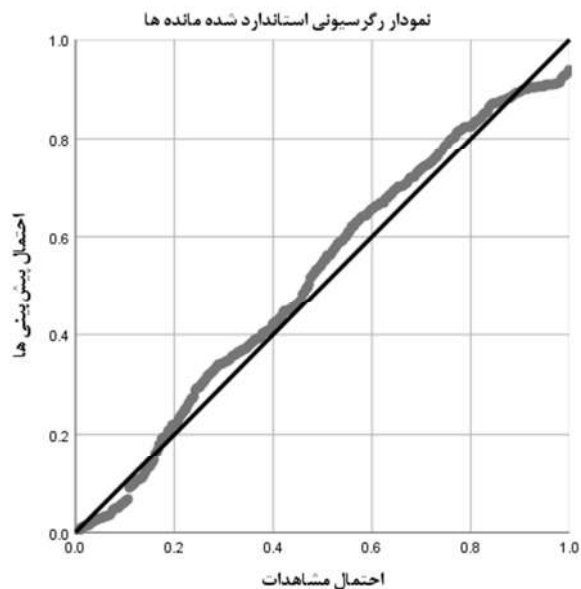
در جدول ۷ با توجه به این که سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «مشارکت اجتماعی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب هم‌بستگی ۰.۵۵۶ شده بیان‌گر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. به عبارت دیگر، اگر قوم‌گرایی افزایش پیدا کند، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان نیز به شکل متوسط افزایش پیدا خواهد کرد.

هم‌چنین ضریب تعیین برابر ۰.۳۰۹ شده است. بنابراین، میزان تأثیر متغیر «قوم‌گرایی» بر متغیر «مشارکت اجتماعی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۳۰.۹٪ است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «مشارکت اجتماعی شهروندان استان بوشهر» معنادار، متوسط، و مستقیم است. براساس یافته‌های پژوهش، تأثیر «قوم‌گرایی» بر روی «مشارکت اجتماعی شهروندان» مثبت است؛ به‌گونه‌ای که قومیت می‌تواند تقاضای افراد را برای سهیم‌شدن در اقدام جمعی به طرق متعددی افزایش دهد. به‌عبارتی می‌توان گفت هم‌بستگی قومی باعث نوعی خودانگیزگی آگاهانه و هدف‌مند برای تسریع و تسهیل امور جامعه می‌شود. از طرفی با توجه به تغییر الگوها در بین جوامع و خودآگاهی اقوام از مطالبات و خواسته‌های خود به‌دلیل میل به سهیم‌شدن در تصمیم‌گیری‌ها و ترویج فرهنگ مشارکتی در اقوام، شهروندان بوشهری از این تأثیر بهره‌مند شده و مشارکت اجتماعی را افزایش داده‌اند.

- فرضیه فرعی دوم:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی شهروندان تأثیر دارد.





نمودار ۳. طبیعی بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی دوم

در نمودار ۳، با توجه به این که حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض طبیعی بودن خطاها در مدل فعلی تأیید می‌شود.



نمودار ۴. ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی دوم

نمودار ۴ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. باتوجه به این که حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین، هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۸ دوربین - واتسون فرضیه فرعی دوم

شاخص	دوربین - واتسون
مدل خطی	۱.۶۰۲

باتوجه به جدول ۸ از آن‌جا که مقدار آماره دوربین - واتسون برابر ۱.۹۴۰ و بین (۱.۵) - (۲.۵) است؛ بنابراین، فرض ناهم‌بسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۹. تحلیل مدل فرضیه فرعی دوم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۸۶۶۵	۱	۲.۳۸۶	۰.۱۲۳
مانده‌ها	۹۳۳۹.۶۳۸	۳۸۰		
کل	۹۳۹۸.۲۹۳	۳۸۱		

باتوجه به این که در جدول ۹ سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰.۰۵ شده و ۲.۳۸۶ =  $F(1, 380)$  شده است، بنابراین، فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۱۰. خلاصه مدل فرضیه فرعی دوم

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۶۲	۰.۰۷۹	۰.۰۰۶	۰.۰۰۴

در جدول ۱۰ باتوجه به این که سطح معناداری از ۰.۰۵ بزرگ‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی شهروندان استان بوشهر» معنادار نیست، در نتیجه باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت متغیر «قوم‌گرایی» بر «شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی شهروندان استان بوشهر» تأثیری ندارد. بنابراین، داده‌های این پژوهش نشان می‌دهند با افزایش میزان قوم‌گرایی از محدوده نظام خویشاوندی به

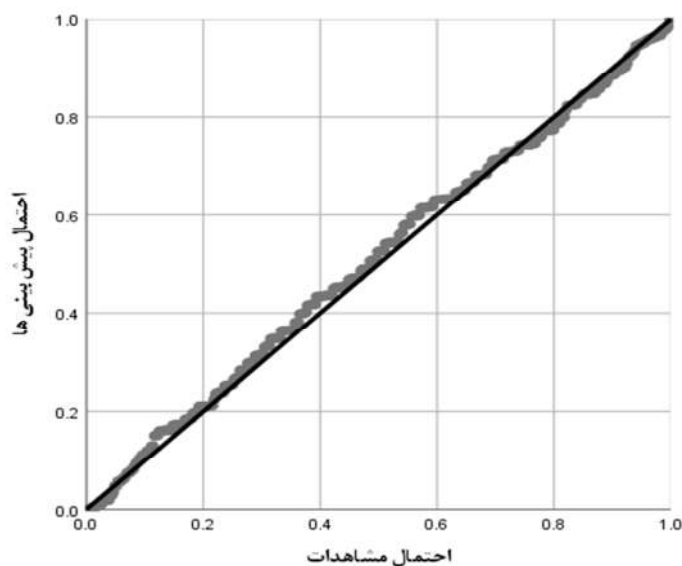
حوزه‌های بسیط‌تر در مقیاس‌های فرامحلی در قلمروهای روستایی، شهری، و ملی و افزایش آن تغییری در شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی ایجاد نمی‌شود. استان بوشهر استانی تاریخی و مهاجرپذیر است که در موقعیتی استراتژیک قرار دارد و همواره با فرهنگ‌های مختلف در ارتباط بوده است. در تفسیر این نتیجه می‌توان گفت قوم‌گرایی تحت تأثیر فرایندهای تبعیض حساس‌تر می‌شود؛ در نتیجه ممکن است این مسئله به رفتار شهروندی غیرمدنی منجر شود، در غیر این صورت رفتار شهروندی به‌هنگار خواهد بود. قوم‌گرایی زمانی برجسته می‌شود که تبعیض وجود داشته باشد؛ لذا قوم‌گرایی مانع رفتار شهروندی نمی‌شود.

- فرضیه فرعی سوم:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر قانون‌گرایی شهروندان تأثیر دارد.

ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.

نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده‌ها



نمودار ۵. طبیعی بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی سوم

در نمودار ۵ با توجه به این‌که حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض طبیعی بودن خطاها در مدل فعلی تأیید می‌شود.



نمودار ۶ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی سوم

نمودار ۶ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول، معنادار بودن مدل خطی و دوم، ثابت بودن واریانس خطاها. باتوجه به این که حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۱. دوربین - واتسون فرضیه فرعی سوم

شاخص	دوربین - واتسون
مدل خطی	۱.۹۲۴

باتوجه به جدول ۱۱ از آن‌جاکه مقدار آماره دوربین - واتسون برابر ۱.۹۲۴ و بین (۱.۵-۲.۵) است، بنابراین فرض ناهم‌بسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود.

حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۱۲. تحلیل مدل فرضیه فرعی سوم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۱۲۰.۱۵۵	۱	۳۵.۴۹۸	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۱۹۹۱.۰۱۸	۳۸۰		
کل	۱۳۱۱۱.۱۷۳	۳۸۱		

باتوجه به این‌که در جدول ۱۲ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰.۰۵ شده و  $F(۱ و ۳۸۰) = ۳۵.۴۹۸$  شده است، بنابراین، فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی ... (عابدین عابدی‌زاده و دیگران) ۱۵۳

جدول ۱۳. خلاصه مدل فرضیه فرعی سوم

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۲۹۲	-۰.۰۸۵	۰.۰۸۳

در جدول ۱۳ با توجه به این که سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «قانون‌گرایی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب هم‌بستگی ۰.۲۹۲ شده، بیان‌گر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است.

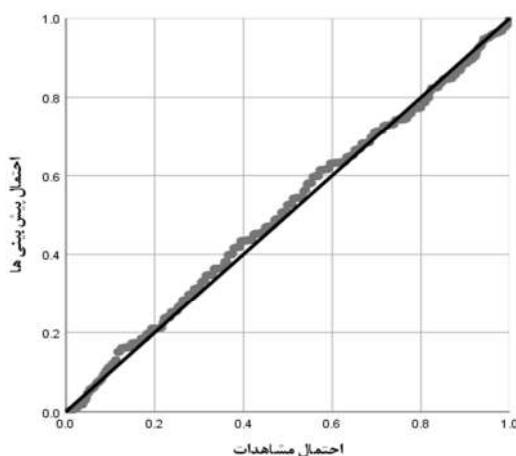
هم‌چنین ضریب تعیین برابر ۰.۰۸۵- شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «قانون‌گرایی شهروندان استان بوشهر» معنادار، متوسط، و معکوس و به میزان ۸.۵٪ در جهت منفی است؛ با توجه به جوامعی که از لحاظ جامعه‌شناسی جامعه قومی نامیده می‌شوند می‌توان گفت افرادی که هویت قومی بالایی دارند ممکن است به قوانینی که مطابق ساختارهای عرفی قوم خود نباشد واکنش نشان دهند.

- فرضیه فرعی چهارم:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر تحزب‌گرایی شهروندان تأثیر دارد.

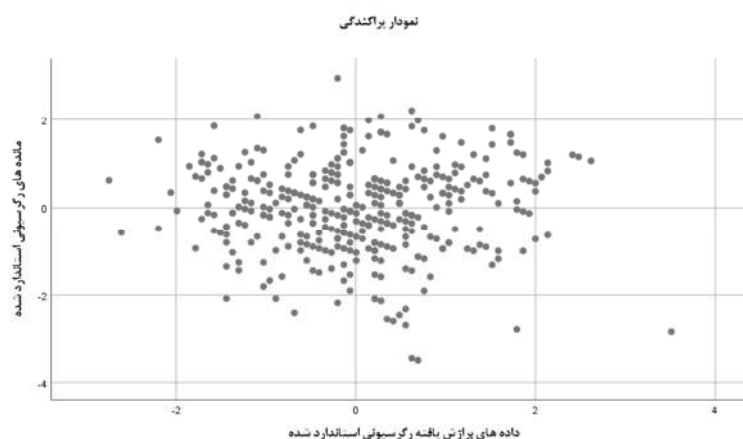
ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.

نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده‌ها



نمودار ۷. طبیعی بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی پنجم

در نمودار ۷ باتوجه به این که حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض طبیعی بودن خطاها در مدل فعلی تأیید می‌شود.



نمودار ۸ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی پنجم

نمودار ۸ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول، معنادار بودن مدل خطی و دوم، ثابت بودن واریانس خطاها. باتوجه به این که حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین، هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۴. دوربین - واتسون فرضیه فرعی پنجم

شاخص	دوربین - واتسون
مدل خطی	۱.۹۴۰

باتوجه به جدول ۱۴، از آن جاکه مقدار آماره دوربین - واتسون برابر ۱.۹۴۰ و بین (۱.۵-۲.۵) است، بنابراین فرض ناهم‌بسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود.

حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۱۵. تحلیل مدل فرضیه فرعی پنجم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۰۹۳۶۱۵	۱	۱۷۰.۰۹۹	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۱۳۷۹.۰۷۶	۳۸۰		
کل	۱۶۴۷۲۶۹۱	۳۸۱		

باتوجه به این‌که در جدول ۱۵ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰.۰۵ شده و ۱۷۰.۰۹۹  $F(۱ و ۳۸۰) =$  شده است، بنابراین، فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۱۶. خلاصه مدل فرضیه فرعی پنجم

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۵۵۶	۰.۳۰۹	۰.۳۰۷

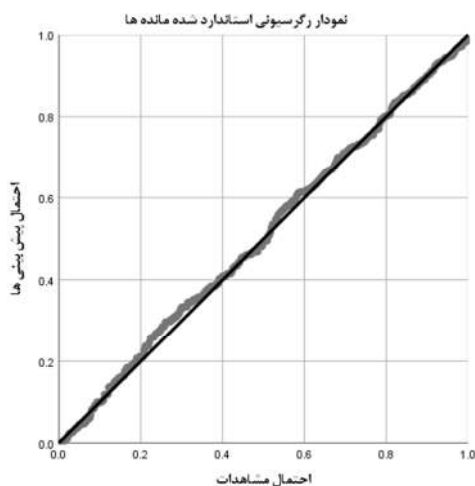
در جدول ۱۶، باتوجه به این‌که سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «تحت‌گرای شهری‌نندگان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب هم‌بستگی ۰.۵۵۶ شده، بیان‌گر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. هم‌چنین ضریب تعیین برابر ۰.۳۰۹ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً پذیرفتنی است. باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «تحت‌گرای شهری‌نندگان استان بوشهر» معنادار، متوسط و مستقیم است. هم‌چنین تأثیر «قوم‌گرایی» بر «تحت‌گرای شهری‌نندگان استان بوشهر» معنادار و ۳۰.۹٪ است. از آن‌جاکه گروه‌های حزبی و احزاب سازوکار اجتماعی دارند، می‌توان با جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی برای آن‌ها زمینه‌های مشارکت عمومی سیاسی و هم‌بستگی ایجاد کرد. از طرفی احزاب عموماً کارویژه‌های سیاسی را دنبال می‌کنند و مردم از طریق مشارکت در فعالیت‌های حزب قدرت خود را در زمینه تصمیم‌سازی به‌نمایش می‌گذارند. در این میان، احزاب نیز که نقش تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری دارند بر مبنای قومیت شکل گرفته‌اند، به‌طوری‌که حتی یک حزب از محبوبیت و حمایت دو قومیت برخوردار نیست و تنها نماینده قومیت خود است. بنابراین، می‌توان گفت دلیل تأثیر قوم‌گرایی بر تحت‌گرای این است که تحت‌گرای در خدمت مشارکت سیاسی است و دستاوردهای مشخصی برای قوم شخص دارد؛ بنابراین، قوم‌گرایی باعث شکل‌گیری حزب‌های کوچک و در نتیجه مشارکت بیش‌تر سیاسی می‌شود.

- فرضیه فرعی پنجم:

به‌نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر مدارای اجتماعی شهری‌نندگان تأثیر دارد.

ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط

مطمئن شویم.



نمودار ۹. طبیعی بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی ششم

در نمودار ۹ باتوجه به این‌که حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض طبیعی بودن خطاها در مدل فعلی تأیید می‌شود.



نمودار ۱۰. ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی ششم

نمودار ۱۰ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول، معنادار بودن مدل خطی و دوم، ثابت بودن واریانس خطاها. باتوجه به این‌که حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین، هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.



تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی ... (عابدین عابدی‌زاده و دیگران) ۱۵۷

جدول ۱۷. دوربین - واتسون فرضیه فرعی ششم

شاخص	دوربین - واتسون
مدل خطی	۱.۷۴۸

باتوجه به جدول ۱۷ از آن‌جا که مقدار آماره دوربین - واتسون برابر ۱.۷۴۸ و بین (۱.۵-۲.۵) است، بنابراین، فرض ناهم‌بسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۱۸. تحلیل مدل فرضیه فرعی پنجم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۹۷۵.۰۸۵	۱	۲۲.۰۷۱	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۶۷۸۷.۸۷۱	۳۸۰		
کل	۱۷۷۶۲.۹۵۵	۳۸۱		

باتوجه به این‌که در جدول ۱۸ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰.۰۵ شده و ۲۲.۰۷۱ =  $F(۱, ۳۸۰)$  شده است، بنابراین، فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۱۹. خلاصه مدل فرضیه فرعی پنجم

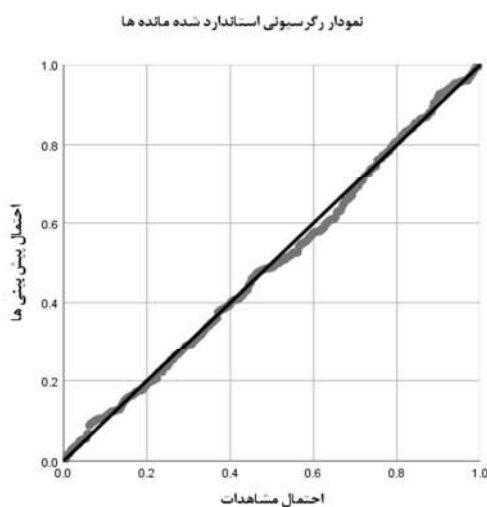
شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۲۳۴	۰.۰۵۵	۰.۰۵۲

در جدول ۱۹ باتوجه به این‌که سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «مدارای اجتماعی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب هم‌بستگی ۰.۲۳۴ نشان می‌دهد که بیان‌گر نوع رابطه مستقیم و متوسط بین دو متغیر است. هم‌چنین ضریب تعیین برابر ۰.۰۵۵ شده که نشان می‌دهد میزان تأثیر متغیر «قوم‌گرایی» بر روی متغیر «مدارای اجتماعی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۵.۵٪ است.

باتوجه به نتایج، می‌توان گفت یکی از مصادیق انسجام ملی و قومی مدارای اجتماعی است که در آن میزان پذیرش اقوام دیگر در بین هر قومی تفاوت ندارد و اعضای هر قومی تا حد زیادی قابلیت مدارا با اعضای دیگر اقوام را دارند. به عبارت دیگر، انسجام ملی ایرانیان در پذیرش اقوام دیگر ایرانی که تفاوت‌های زیادی با اقوام دیگر دارند بسیار زیاد است.

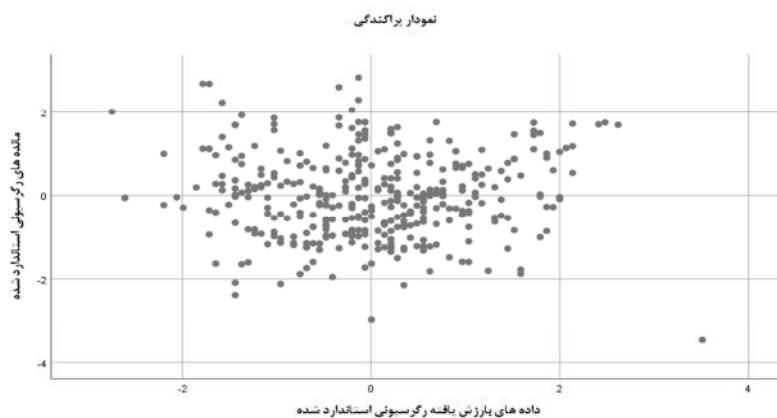
- بررسی فرضیه اصلی تحقیق:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر تمایل به توسعه مدنی شهروندان تأثیر دارد. ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.



نمودار ۱۱. طبیعی بودن مانده‌ها برای فرضیه اصلی تحقیق

در نمودار ۱۱ با توجه به این که حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض طبیعی بودن خطاها در مدل فعلی تأیید می‌شود.



نمودار ۱۲. ثابت بودن واریانس خطاها برای فرضیه اصلی تحقیق

نمودار ۱۲ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول، معنادار بودن مدل خطی و دوم، ثابت بودن واریانس خطاها. باتوجه به این که حساب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین، هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۲۰. دوربین - واتسون فرضیه اصلی تحقیق

شاخص	دوربین - واتسون
مدل خطی	۱.۷۰۱

باتوجه به جدول ۲۰ از آن‌جا که مقدار آماره دوربین - واتسون برابر ۱.۷۰۱ و بین (۱.۵-۲.۵) است. بنابراین، فرض ناهم‌بسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۲۱. تحلیل مدل فرضیه اصلی تحقیق

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۹۴۶۱۱.۴۷۹	۱	۲۲۷.۴۱۹	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۵۸۰۸۱.۴۱۹	۳۸۰		
کل	۲۵۲۶۹۹.۸۹۸	۳۸۱		

باتوجه به این که در جدول ۲۱ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰.۰۵ شده و  $F(۱ و ۳۸۰) =$  شده است، بنابراین، فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۲۲. خلاصه مدل فرضیه اصلی تحقیق

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۶۱۲	۰.۳۷۴	۰.۳۷۳

در جدول ۲۲ باتوجه به این که سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «تمایل به توسعه مدنی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب هم‌بستگی ۰.۶۱۲ شده، بیان‌گر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. هم‌چنین ضریب تعیین برابر ۰.۳۷۴ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً قابل قبول است. این عدد

نشان‌دهنده درصدی از تغییرات «تمایل به توسعه مدنی شهروندان استان بوشهر» است که توسط «قوم‌گرایی» تبیین می‌شود. بنابراین، میزان تأثیر متغیر «قوم‌گرایی» بر روی متغیر «تمایل به توسعه مدنی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۳۷.۴٪ است.

در تفسیر نتایج می‌توان گفت با توجه به این که قوم‌گرایی باعث ارتقای توسعه مدنی شده که این خلاف بیش‌تر نظریه‌های توسعه مدنی است، بنابراین، مهم‌ترین تفسیری که می‌توان داشت این است که سابقه تاریخی زیست چندصدساله انسان‌هایی که با فرهنگ‌های قومی متعدد با یکدیگر زندگی کرده‌اند، در فرایندی تاریخی به زیستی مسالمت‌آمیز رسیده‌اند و موضوعی به نام تبعیض براساس قومیت در استان بوشهر کم‌رنگ شده است. از طرف دیگر، در استان بوشهر قوم‌گرایی نه تنها منفی عمل نمی‌کند، بلکه مثبت عمل می‌کند؛ به عبارت دیگر، قوم‌گرایی مانع توسعه مدنی نمی‌شود و دلایل مختلفی از جمله ساختار جغرافیای سیاسی و تجربه فرهنگ سیاسی و اقتصادی در این میان تأثیرگذار بوده و باعث توسعه مدنی شده است.

- مقایسه میانگین توسعه مدنی و ابعاد آن به تفکیک شاخص‌های متغیر مستقل:

در نهایت از طریق آزمون GLM برای بررسی آزمون مقایسه میانگین توسعه مدنی به تفکیک قوم‌مداری مشخص شد که افراد مورد مطالعه که از سطح بالای قوم‌مداری برخوردارند به اندازه ۴۳/۷۹ واحد میانگین در مقام قیاس با افراد سطح متوسط قوم‌مداری توسعه مدنی بیش‌تری دارند. در مقام قیاس افراد مورد مطالعه دارای سطح متوسط قوم‌مداری نسبت به افراد سطح کم مشخص شد که به اندازه ۱/۲۱ واحد میانگین از توسعه مدنی بیش‌تری برخوردارند. بنابراین، به لحاظ رتبه‌بندی افراد سطح بالای قوم‌مداری در رتبه اول توسعه مدنی و افراد سطح متوسط و پایین در رتبه دوم و سوم توسعه مدنی قرار دارند.

شاخص مشارکت اجتماعی به تفکیک قوم‌مداری نشان داد که افراد سطح بالا در مقام قیاس با سایر سطوح از میانگین بالاتری از مشارکت اجتماعی برخوردارند و مقایسه سطح بالا و سطح کم ۷/۳۹ واحد میانگین افزایش را نشان می‌دهد که در رتبه اول قرار دارد. در مرتبه دوم افراد سطح متوسط در مقام قیاس با سطح کم ۱/۲۷ واحد میانگین افزایش مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهند. رتبه سوم سطح متوسط در مقام قیاس با سایر سطوح کاهش میانگین را نشان می‌دهد.

شاخص مدارای اجتماعی به تفکیک قوم‌مداری نشان داد افراد مورد مطالعه که از سطح بالای قوم‌مداری برخوردارند ۵.۵ واحد میانگین در مقام قیاس با سایر سطوح میانگین

بالاتری از مدارای اجتماعی دارند. افراد مورد مطالعه که سطح متوسط قوم‌مداری دارند در مقایسه با افراد سطح کم قوم‌مداری ۲.۸۷ واحد میانگین از مدارای اجتماعی بیشتری برخوردارند. بنابراین به لحاظ رتبه‌بندی افراد سطح بالای قوم‌مداری در رتبه اول مدارای اجتماعی و افراد سطح متوسط و پایین در رتبه دوم و سوم مدارای اجتماعی قرار دارند. در مقایسه میانگین رفتار شهروندی با قوم‌مداری تفاوت معناداری وجود نداشت. شاخص تحزب‌گرایی به تفکیک قوم‌مداری نشان می‌دهد که افراد سطح بالا در مقام قیاس با افراد سطح متوسط ۸.۹۸ واحد میانگین افزایش و در مقام قیاس با افراد سطح کم ۹.۹۲ واحد میانگین افزایش تحزب‌گرایی داشته‌اند. به لحاظ رتبه‌بندی افراد سطح بالا در مرتبه اول و افراد سطح متوسط در مرتبه دوم و افراد سطح کم در مقام سوم قرار دارند. در مقایسه میانگین‌ها در بحث میانگین توسعه مدنی و شاخص‌های آن به تفکیک ترجیح قومی و گرایش قومی به این دلیل که مقدار sig یا معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰.۵٪ است و از سویی تعداد افراد مورد مطالعه در دو متغیر ترجیح قومی و گرایش قومی یکی نبود، لذا تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

## ۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

مسئله پژوهشی ما ناظر به بررسی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی و شاخص‌های مشارکت اجتماعی، تحزب‌گرایی، قانون‌گرایی، مدارای اجتماعی و رفتار شهروندی یا شهروندگرایی در استان بوشهر است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم پیش‌فرض‌های نظری در ادبیات تحقیق و تصور عام از این موضوع، افزایش میزان قوم‌گرایی میزان تمایل به توسعه مدنی و ابعاد آن را نیز افزایش می‌دهد. در واقع با افزایش میزان قوم‌گرایی میزان تمایل به مشارکت اجتماعی، تحزب‌گرایی، قانون‌گرایی، مدارای اجتماعی و شهروندگرایی افزایش می‌یابد. یافته‌های نهایی تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر مشارکت اجتماعی برابر ۳۶.۹٪ است. به عبارتی قوم‌گرایی به میزان ۳۶.۹٪ بر روی توسعه مدنی تأثیر مثبت و مستقیم دارد که با نتایج تحقیق پاملا اولیور (۲۰۱۷) تحت عنوان «ابعاد قومیتی در جنبش‌های اجتماعی» هم‌راستا است.

از سویی تأثیر قوم‌گرایی بر مدارای اجتماعی جمعیت مورد مطالعه به میزان ۲۸.۸٪ در جهت مثبت و مستقیم است که این عدد نشان می‌دهد که با ۲۸.۸٪ از مدارای اجتماعی شهروندان استان بوشهر تحت تأثیر قوم‌گرایی‌اند که نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش

سجادیان و همکاران (۱۳۹۴) تحت عنوان «ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی» هم‌راستا است. براساس پیمایش انجام‌شده تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر قانون‌گرایی برابر ۸.۵-٪، و نیز بر رفتار شهروندی برابر ۴۸.۷٪ به‌دست آمده است. با این تفاسیر قوم‌گرایی توانسته است بر درصد اندکی از قانون‌مندی شهروندان استان بوشهر تأثیر گذارد و بالعکس درصد زیادی از رفتار شهروندی در استان بوشهر را تحت‌تأثیر مستقیم و مثبت خود قرار دهد. درنهایت تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر حزب‌گرایی برابر ۴۴.۲٪ است و به این معنی است که حزب‌گرایی در استان بوشهر ساختار قومی به خود گرفته و ۴۴.۲٪ شهروندان استان بوشهر با نگاه قومیتی به احزاب رأی می‌دهند. نتایج مؤید این نکته است که قوم‌گرایی موضوعی مؤثر در ارتقای توسعه مدنی در استان بوشهر است. اهمیت مسئله قومیت در جوامعی شبیه ایران با تنوع فرهنگی گوناگون به‌حدی است که می‌تواند توسعه مدنی جوامع را تهدید یا تضمین کند. به‌نظر می‌رسد در استان بوشهر عامل قومی توانسته تقاضای افراد را برای سهم‌شدن در اقدام جمعی به طرق متعددی افزایش دهد. بنابراین می‌توان گفت درصد بالایی از تغییرات توسعه مدنی تحت‌تأثیر متغیری به نام قوم‌گرایی است و درصدی از تغییرات توسعه مدنی ناشی از متغیرهای خارج از مدل تحقیق است.

ادبیات نظری چه از منظر جامعه‌شناسی یا سایر تحقیقات فرهنگی منطقه‌ای بر این قاعده تأکید دارند که با افزایش قوم‌گرایی شاخص‌های توسعه مدنی کاهش می‌یابد؛ ولی نتایج حاصل از پیمایش در این تحقیق در نقطه مقابل و معکوس قرار دارد. به‌نظر می‌رسد سابقه تاریخی و زیست چندصدساله فرهنگ‌های قومی متعدد در این استان درکنار یک‌دیگر و در فرایندی تاریخی و طولانی باعث شده مردم این استان به زیست مسالمت‌آمیزی برسند و مسئله‌ای تحت عنوان ستیز قومیتی و نیز قوم‌گرایی غیرمدنی در این استان را کم‌رنگ کرده است؛ هرچند این توسعه مقطعی است. لذا نمی‌توان قوم‌گرایی را پدیده‌ای مثبت انگاشت و آن را فرایندی مثبت ارزیابی کرد و باید به‌دنبال شناسایی راه‌کارهای اساسی بود که به‌شکل چشم‌گیری باعث قوام و دوام توسعه مدنی در استان درحال تحول بوشهر شود. به‌نظر می‌رسد هر نوع راه‌کار و راه‌برد ممکن باید در چهارچوب نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های پیش‌تر در این زمینه یا موارد مشابه باشد. سیاست و برنامه‌های توسعه منطقه‌ای باید در چهارچوب حمایت از اقوام و ملیت‌های مختلف در راستای توسعه سرزمینی کشور باشد، چراکه اقوام در حکم سرمایه اجتماعی و فرهنگی و واقعیتی کتمان‌ناپذیر در جغرافیای سیاسی ایران، نقش مهمی در ارتقای توسعه مدنی در سطح منطقه‌ای و ملی دارند.

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی ... (عابدین عابدی‌زاده و دیگران) ۱۶۳

## کتاب‌نامه

- احمدی، محمدحسین و مریم الوند (۱۳۹۱)، «نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی»، فصل‌نامه *انتظام اجتماعی*، دوره ۴، ش ۲.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- استیوس، اچ لسللی و سرینیواس ملکوت (۱۳۸۸)، *ارتباطات توسعه در جهان سوم*، ترجمه شعبانعلی بهرامپور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پیرمؤمن، حمیرا (۱۳۹۴)، *موانع توسعه جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش دولت، احزاب سیاسی و تشکلات صنفی*، پایان‌نامه دانشگاه آزاد واحد مرودشت.
- خانیک، هادی (۱۳۸۷)، «جامعه انقلابی، جامعه مدنی و جامعه اخلاقی»، *مجله آیین*، ش ۱۳ و ۱۴.
- زنگی‌آبادی، علی و فرحناز ابوالحسنی (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر شاخص‌های توسعه ناحیه‌ای شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۸۵»، *فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ش ۴، ش ۱۳.
- سجادیان، ناهید و دیگران (۱۳۹۴)، «ارزیابی نقشه طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ایذه)»، *اطلاعات جغرافیایی*، دوره ۲۴، ش ۹۴.
- شاه‌بهرامی، فرخ‌الله (۱۳۸۷)، «تبیین مفاهیم و موانع توسعه از دیدگاه‌های مختلف با تأکید بر تأثیر منفی مواد مخدر بر توسعه»، *اعتیادپژوهی*، ش ۷.
- صمیمی، محمد (۱۳۹۵)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، تهران: نشر نی.
- غفوری، محمد و روح‌الله جعفری (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک‌سویه»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ش ۱۲.
- فاضلی، محمد، سجاد فتاحی، و سیده‌نسترن زنجان رفیعی (۱۳۹۲)، «توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان»، *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره ۲، ش ۱.
- فالكس، کیت (۱۳۸۱)، *شهروندی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- فرهادی، محمد و علی کاظمی (۱۳۹۲)، «توسعه اقتصادی - اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی»، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۲، ش ۴.
- قادری، امید (۱۳۸۱)، *هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- موسایی میثم و مریم احمدزاده (۱۳۸۸)، «آموزش توسعه‌ای و توسعه پایدار»، *مجله راه‌برد یاس*، ش ۱۸.
- موسوی، سیدیعقوب (۱۳۹۱)، *درآمدی بر بنیادهای نظری حقوق شهروندی در شهر*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- نوربخش، یونس (۱۳۸۷)، «فرهنگ و قومیت، مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۴.

یگانه، سیامک (۱۳۹۴)، «بررسی شاخصه‌های توسعه پایدار بنادر در راستای دستیابی به جایگاه بنادر سبز و وضعیت اعمال آن‌ها در طرح توسعه بندر شهید بهشتی چابهار»، فصل‌نامه حمل و نقل دریایی، دوره ۱، ش ۲.

یوسفی، علی و احمدرضا اصغریور ماسوله (۱۳۸۸)، «قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین‌قومی در ایران»، دانش‌نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۱.

Barr-Anderson, D. J. et al. (2017), "The Modifying Effects of Race/ Ethnicity and Socioeconomic Status on the Change in Physical Activity from Elementary to Middle School", *Journal of Adolescent Health*, vol. 61, no. 5.

Habermas, J. (1992), "Citizenship and National Identity: Some Reflection on the Future of Europe", *Praxis International*, vol. 12.

Oliver, P. (2017), "The Ethnic Dimensions in Social Movements", *Mobilization*, vol. 22, no. 4.

Teangsompong, T. and S. Sirisunhirun (2002), "Multi-Level Structural Equation Modeling for City Development Based on the Expectations of the Local Population in A Special Border Economic Zone in Western Thailand", *Kasetsart Journal of Social Sciences*, vol. 39, no. 3.

Turner, Bryan (2006), *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge: Cambridge University Press.

UNDP (2011), *Human Development REPORT Office*, Available at URL:

<[http://www.undp.org.rw/HDR\\_2011\\_EN.pdf](http://www.undp.org.rw/HDR_2011_EN.pdf). Accessed August 12, 2011>.

Williams, Charles C. (1997), *Redesigning Social Inquiry*, Chicago: The University of Chicago Press.